اندیشه های کلامی شهید سید مصطفی خمینی (۳)

راه های دانستنِ انسان شمولی:

برای شناختِ جهانی بودنِ دیانت اسلام راههای گوناگونی درون دینی و بیرون دینی وجود دارد. ایشان به چند راهِ درون دینی اشاره می کند:

۱ . هدفهایی که اسلام در پی پیاده کردن آنهاست بویژه هدایت به سوی کمال و سعادت که بزرگ ترین هدف است اقتضای جهان شمولی این دین را دارد. از آیات قرآن به روشنی دانسته می شود که این کتاب هدایت برای تمام مردمان است پس پیروی از رهنمودها و فرمانهای آن وظیفه همه انسانهاست.

۲ . خداوند آیات خودش را برای مردمان (ناس) بیان کرده است و در قرآن به همه مردمان در هر جایی از جهان که باشند خطاب شده است این به نوبه خود گویای جهانی بودن اسلام است.

۳ . اگر چه درپاره ای آیات قرآن به انسانهای خاص; یعنی مؤمنان خطاب شده: (یا ایها الذین امنوا...) اما در پاره ای دیگر خطاب به همه انسانهاست مانند: (یا ایها الناس...) و (یا بنی ادم...) و از این که می بینیم قرآن به روشنی بر هدایت بودنِ تمام بشر دلالت می کند نمی توان خطابهای خاص را سبب آن دانست که هدایتهای این کتاب ناظر به دیگر انسانها نیست; زیرا در این صورت با روشنی قرآن مخالفت می شود. از این روی می نویسد:

(لاشبهة فی انّ الکفار مکلفون بالاسلام و الایمان و اذا کان الاسلام هو الاعتقاد بالشهادتین واظهارهما و من ذلك الاعتقاد بما جاء به النبی(ص) فیجب علی الکافر الاعتقاد المزبور.)۵۸

بی گمان کافران به اسلام و ایمان اسلامی مکلف هستند و اگر اسلام عبارت از اعتقاد به (شهادتین) و اظهار آن دو باشد که اعتقاد به آنچه پیامبر(ص) بیان کرده در آن داخل و بر کافران این اعتقاد واجب است.

همان گونه که می نگرید: استاد شهید قلمرو ایمان اسلامی و باور به توحید و نبوت اسلامی را ویژه افراد و مخاطبانی خاص در جغرافیای معین نمی داند بلکه معتقد است تعالیم اسلام همه انسانها را در سراسر جهان فرا می گیرد. تمامی ملتها با گوناگونیِ باورها و فرهنگها از هر طبقه و نژاد و در هر محدوده از جغرافیای زمین وظیفه دارند پیام اسلام و قرآن را بشنوند و پیروی کنند.

ایشان نه تنها فروع و احکام اسلامی را مرز ناپذیر می داند که بر جهان شمولی و انسان شمولیِ اصولِ اعتقادی اسلام نیز اصرار می ورزد; چرا که هدایت بودنِ قرآن برای همگان را تنها هدایت در عمل و کردار نمی داند بلکه هدایت فکری و اعتقادی انسانها نیز در دایره این هدایت است:

(فالهدايات والإرشادات القرآنية اعم من الاهتداء الاعتقادى والعملى فيكون الكفار مكلّفين طبعاً.)۵۹
هدایتها و راهنماییهای قرآن هدایت در اعتقاد و عمل را در بر می گیرد. پس به طور طبیعی کافران وظیفه دارند در اصول و فروع از آن هدایت بجویند.

جامع بودن دین

بحث از قلمرو ایمان دینی و تعهد اجتماعی دین به مسأله کلی تر; یعنی جامع بودن دین باز می گردد. البته در این جا منظور از این ایمان به دین اسلام است; چرا که در این مسأله میان ایمان اسلامی و دیگر ادیان تفاوتهای اصولی وجود دارد.
جامع بودن دین یك بحث کلامی است که در آن نسبت میان محتوای دین و نیازهای همه سویه انسان بیان می شود. دین چه چیزهایی به انسان می دهد و انسان در چه چیزها به دین نیاز دارد. سخن از این است که بشر برای رفع کدام نیازهایش باید به دین مراجعه کند و چه انتظاری از آن داشته باشد. آیا ایمانِ دینی عهده دار پاسخ گویی به تمامی خواسته های بشر در سراسر زندگی است. پس وقتی شخص به دین اسلام ایمان بیاورد باید تمامیِ خواسته های خود را در آن بجوید و همه راه حلهای پیرامونِ زندگی خویش را از آن بخواهد یا آن که دین نیازهای دینی بشر را پاسخ می دهد و قرآن به عنوان کتابی که محتوای وحی را در خود نهفته دارد خواسته است نیازهایی را که تنها از راه وحی آگاهی و پاسخ به آنها ممکن است بیان کند.

قلمرو اجتماعی اسلام:

این مسأله تا آن جا مورد بحث ماست که ببینیم آیا اسلام افزون بر مسائل فردی و عبادی قلمرو اجتماعی نیز دارد یاخیر؟ و آیا بجا و درست است که برای سامان دادنِ زندگی اجتماعی و پی ریختن نهادهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه از دین و ایمان خویش طرح و نظر بخواهیم یا مقوله جامعه و اجتماع از دایره آموزه های ایمان اسلامی بیرون است؟ اگر اسلام به زندگی اجتماعیِ انسان نظر دارد و برای سامانِ جامعه طرح و قانون بیان کرده است دایره قانونهای اجتماعی آن چه مقدار است و قلمرو آنها تا کجاست؟

نگاهی به آراء

درباره قلمرو اجتماعی دین دیدگاههای گونه گون و گاه ناسازگار با هم مطرح شده است. هر گروه بر اساس فهم و برداشت خود از اسلام دیدگاهی را مطرح کرده است:

۱. گروهی برآنند که در اساس دین و قانونهای وحی قلمرو اجتماعی و سیاسی ندارد. این گروه جامع بودن دین را به بیان رهنمودها و دستورهایی می دانند که رستگاری معنوی اخروی انسان به طور کامل برآورده شود و آنچه درهدایت انسان به خیر و سعادت نقش دارد دین آنها را فروگذار نکند.

بر این باورند که تعالیم دینی در اصل برای بیان کردن ارتباط انسان با خدا و توصیه و سفارش به بهره مندی از معنویات و حیات اخروی بنا شده است. رویکرد اصلی دین همین است. از این روی باید تعالیم قرآن را به همین نیازهای معنوی تفسیر کرد و اگر قرآن به پاره ای مسایل دنیایی نظر کرده در حد مقدمه و از باب رسیدن به آخرت است.

این گروه به جدایی دین از سیاست و اجتماع می اندیشد و بر این باور است که سیاست و حکومت امری عقلی و بشری و از قلمرو دین و وحی بیرون است.

نقد این دیدگاه: گذشته از خاستگاه استعماریِ تفکر (جدایی دین از سیاست) نادیده انگاشتن قلمرو سیاسی و اجتماعیِ دین اسلام منشاء بیرونی دارد. برخی از کسانی که در جهان اسلام به مباحث و پرسمانهای اسلامی روی کرده اند کار اصلی ایشان انتقال مباحث تئوریك دینی از دنیای مسیحیت جدید به میان مسلمانان است و این کار از آن جا که در چشم برخی حرکت نوگرایانه اسلامی شناخته می شود تشویقی خام و دروغین نسبت به این افراد در پی می آورد و ایشان را بیش از پیش بر این رویکرد می کشاند.

نکته اساسی که نوع این افراد به آن توجه ندارند این است که فرهنگ دینی مسیحیت با فرهنگ دینی اسلام از بسیاری زوایا ناهمخوانی دارند. کتابهای مقدس مسیحیان بیش تر در بردارنده احکام و آموزشهای عبادی و اخلاقی است و در آنها قانونهای مشخص و مدون برای بیان چگونگی پیوندهای حقوقی و اجتماعی دیده نمی شود. در فرهنگ دینی آنان شؤون زندگی دو بخش می گردد: شؤون دنیایی که به (قیصر) واگذار می شود و دیگر شؤون دینی و اخروی که به عهده (کلیسا) است. طبیعی است که در چنین فرهنگی قلمرو اجتماعی دین نفی شود و دیانت از سیاست جدا پنداشته شود.

اما در فرهنگ اسلام بخش کردن شؤون زندگی و دو نیم کردن حیات انسان به نیمی دینی و نیمی غیر دینی نارواست و اسلام هرگز جدایی و دوگانگی دنیا و آخرت را نمی پذیرد و آموزش نمی دهد. اسلام هرگز نمی گویدکار دنیا را به قیصر و سلطان واگذار و برای به دست آوردن معنویت و رستگاری اخروی از جامعه و حکومت پروا بگیر و در مسجد و خلوت به عبادت بپرداز. پیامبر اسلام در نخستین فرصت مسجد بنا کرد و آن را جایگاه حکومت و قضاوت و سیاست و رسیدگی به امور فردی و اجتماعی و مادی و معنوی مسلمانان قرار داد. این امر نشان می دهد که اسلام از آغاز ظهور با سیاست و اجتماع و به چگونگی و چسانیِ جامعه و زندگی اجتماعی نظر داشته است. تشکیل نظام امامت و یا خلافت پس از پیامبر(صلّی الله علیه و آله و سلّم) نیز همین تلقی دریافت را از مسلمانان قرونهای نخستین اسلام آشکار

می کند.
بنابراین تفکر (جدایی دین از سیاست) که در حقیقت رهیافت و تجربه ناکامیها و شکست کلیسا در اداره جامعه است و تجربه تاریخی دیانت مسیحی به هیچ روی نمی تواند برای جهان اسلام درخور اقتباس و پیروی باشد. کسی که فرهنگ جامع اسلام را به درستی بشناسد و با تاریخ سیاسی اسلام راستین آشنا باشد به روشنی درمی یابد که سیاست و دیانت چونان روح و جسم در آموزه های این دین به هم آمیخته است و نمی توان امور اجتماعی مردمان مسلمان را از عقیده و دیانت آنان جدا دانست و بی آن که آموزه های این مکتب در نظر باشد به تدبیر و سامان دهی آنها پرداخت.
البته در میان این گروه کسانی بر این باورند که در متون دینی بر اصل حکومت و بایستگی تشکیل آن سفارش شده و ارزشهایی که لازم است در اداره جامعه رعایت شوند وجود دارند امّا بر این پندارند که از منابع دین قانون و طرح و برنامه ای که ساختار حکومت را در اسلام معین کند و افراد خاص را متولی و عهده دار تشکیل آن قرار دهد استفاده نمی شود.
خواسته دین آن است که نظام اجتماعی به گونه ای باشد که با ارزشهای اسلامی ناسازگاری و دوگانگی نداشته باشد. این کسان قلمرو اجتماعی دین را در حدّ نظارت اجتماعیِ دین باور دارند و نه بیش تر.
۲ . دربرابر دیدگاه نخست کسانی اعتقاد دارندکه دین اسلام قلمرو اجتماعی دارد.
اینان بر این باورند که دین اسلام تنها عهده دار پیوند انسان و خدا و محدود به بیانِ احکام عبادی و اخلاقی و ثواب و عقاب اخروی نیست بلکه رهنمودهای سیاسی و اجتماعی و هر آنچه که موجب سامان یافتن يك جامعه مؤمن و سالم می شود در آن وجود دارد.
بنابر دیدگاه اینان جامع بودن دین مفهومی فراگیر دارد و شامل همه نیازمندیهای دینی انسان و جامعه می شود. انسان در چشم انداز زندگی اجتماعی نیاز دارد که دین دست او را بگیرد و اموری که برای هدایت و سعادتِ اجتماعی او لازم است بنمایاند. اسلام به این بخش از حیات انسان توجه کرده و برای آن قانون و رهنمود دارد.
صاحبان دیدگاه دوّم در شکل حکومت و شیوه اداره نظام همگی به يك رأی نیستند بلکه در این باب دو دیدگاه وجود دارد:
الف . گروهی بر این باورند که تمام اموری که برای اداره جامعه لازم است مانند شکل حکومت و شیوه اداره نظام سامان دهی نهادهای اجتماعی چگونگی روشها و برنامه ها و راه حلهای اجرایی و... در اسلام به گونه روشن وجود دارد.
ب . رأی دیگر آن است که مسائل مورد نیاز جامعه و نظام دینی در منابع دین نهفته است; اما به صورت قواعد کلی است که باید به سازواری شرایط و اوضاع موجود در هر زمان آن مسائل را از آنها استنباط کرد.
آنچه گذشت پاره ای از دیدگاهها درباره قلمرو اجتماعی دین بود. یاد کرد این آرا بدان منظور

بود که هندسه فکری استاد شهید مصطفی خمینی در میان این آرا که اکنون در محیط علمی و اجتماعی ما وجود دارد به درستی نموده شود. برای این منظور ابتدا به اختصار و اشاره سخنان ایشان را در سه چشم انداز: دایره رسالت دین قلمرو اجتماعی دین و چگونگی بیان قانونهای اجتماعی در اسلام می نگریم و آن گاه بر پایه آنها به رأی و دیدگاه فکری آن عالم اشاره می کنیم.

دایره رسالت دین: استاد شهید رسالت ادیان آسمانی را رساندن بشر به کمال و سعادت می داند و بر آن است که این رسالت در دیانت اسلام محدود به سعادت اخروی نیست بلکه سعادت و خوشبختی دنیایی نیز در دایره وظایف اسلام است:

(فهو دین الدنیا والآخرة ولیس کلمة الدین کما یتبادر منه بدواً ماکان یوجه البشر الی الاخرة محضاً بل الدین هی السیاسة العظمی الکامل لجمیع إنحاء السعادات الجزئیه والکلیة الدنیویه والاخرویة.)۶۰

اسلام دین رویکرد دنیایی و آخرتی دارد و اگر چه در آغاز نظر از واژه دین چیزی دانسته می شود که مسائل اخروی را به بشر نشان می دهد ولی اسلام این گونه نیست بلکه این دین دارای برنامه های بزرگی است که تمامی سعادتهای کوچك و بزرگ دنیایی و آخرتی انسان را به گونه کامل در بر دارند.

قلمرو اجتماعی دین: ایشان براساس این تفسیر از دیانت اسلام و رسالت آن این دین را دارای آیینهایی می داند که زندگی فردی و اجتماعی بشر را فرا می گیرند:

(انّ الاسلام یتمکّن من المحافظة علی سعادات البشر الفردیة والاجتماعیه... ویکون حاویاً لقوانین خاصة باقیة باختلاف الأزمان والدهور ویتمکّن من المحافظة علی النظام اللازم فی المنزل والبلد والمملکة ابداً.)۶۱

به راستی اسلام توانا به حفظ سعادتهای فردی و اجتماعی بشر است... و در بردارنده قانونهای ویژه ای است که با گذر زمان پایدار می مانند و بر نگهداشتِ همیشگيِ نظامِ درست زندگی و جامعه تواناست.

وی اسلام را در بردارنده قانونهای فردی و اجتماعيِ پایداری می داند که بر حوزه های فکری و فرهنگی همه زمانها درخور برابری دارد و بر این باور است که قرآن به عنوان بزرگ ترین و استوارترین منبع برای دریافتهای دینی آن قانونها را درخود نهفته دارد که به گونه ساختارهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی و قضایی درخور ارائه اند:

(ان القرآن ناظم النظام الخاص وصاحب المکتب الحدیث فی کیفیة ادارة الملك واعاشة الطبقات... و فیه قوانین موضوعة علی السیاسة الاجتماعیة اللازم رعایتها جداً فی الحیوة الحسنة والمعاش المستریح.)۶۲

قرآن به وجود آورنده نظام ویژه و دارای فلسفه جدیدی در چگونگی اداره جامعه و زندگی انسانهاست... و در این کتاب آیینهایی برای سیاست گذاریهای اجتماعی گذاشته شده که

برای داشتنِ حیات نیکو و زندگی راحت بدانها نیاز است.
آن عالم شهید نظارت هوشمندترین نظریه پرداز اسلامی بر مدیریت جامعه که از آن با عنوان نظریه ولایت فقیه یاد می شود از شاخصه های فلسفه سیاسی و حکومتی اسلام و درست ترین شیوه مدیریت مکتبی که پایندان حقوق انسانی افراد و سلامتِ جامعه است می داند.
(وفيه القوانين المشتملة على نظام مالى وعلى المسائل الاقتصادية التى عليها رحى وجود الوحدات الاجتماعيه الصغيرة والكبيرة ومنها قانون الخمس والزكاة وغيره مايكون من القوانين الإرتباطيه الفرديه والاجتماعيه.)۶۳
در قرآن آیینهایی وجود دارد که نظام مالی و مسائل اقتصادی را بیان می کنند مسائلی که پیوندهای کوچك و بزرگ اجتماعی برمدار آنها می چرخند مانند قانون خمس و زکات و غیر این دو قانونهایی که پیوندهای فرد و جامعه را می نمایاند.
(ومنها قوانين فى موارد السرقات والزنا واللواط وجعل الديات والحدود على التفصيل المحرر فى الإنظمة الفقهية.)۶۴
و از قانونهای قرآن آیینهایی است که درباره دزدیها و زنا و لواط و دیه و حدود گذارده شده اند با شرح و گستره ای که در مجموعه های فقهی بیان شده است.
از این سخنان دانسته می شود که دیدگاه فکری ایشان همسان با آخرین رأی در دیدگاهِ دوم از میان آرای یاد شده است; یعنی باور دارد به قلمرو اجتماعی دین و بر این رأی که آیین نامه های چگونگیِ حکومت و قانونهای مورد نیاز برای اداره جامعه در اسلام وجود دارد. با جست وجو در منابع و متون اسلامی می توان آنها را فهم و کشف نمود.
روشن شد: استاد شهید بر این باور است: اسلام هم به هدایت و سعادت فردی می اندیشد و برای آن برنامه دارد و هم هدایت و سلامت ایمانیِ جامعه را در نظر دارد; از این روی چنین دیانتی نمی تواند نسبت به چگونگی اداره جامعه و نظام سیاسی آن رأی و سخنی نداشته باشد. اما داشتنِ رأی و سخن به این معنا نیست که تمامی چارچوبها و قالبها و روشهای مرحله ای و زودگذر را برای همه زمانها پیش بینی و بیان کرده باشد و مسؤولان جامعه را وظیفه دار اجرای آنها بداند. این که چگونه و با کدام تدبیرها باید جامعه را اداره کرد و چگونه معیشتی برای افراد ترتیب داد چه روش مدیریت و شیوه هایی برای حکومت دینی برگزید و عدالت اجتماعی را به چگونه و با چه فرمولها و روشهایی در جامعه بر قرار کرد پرسشهایی است که پاسخ مشخص و مدون آنها را گونه مستقیم نباید از دین انتظار داشت بلکه اینها در هر زمان نیاز به اجتهاد و فهم جدید دارد.
اصولی مانند: اصل حاکمیت الله۶۵. اصل عدالت و قیام به قسط۶۶ اصل شورا و حق رأی برای مردمان۶۷ اصل حریّت و آزادی۶۸ اصل پرهیز از ظلم پیشگی و ظلم پذیری۵۹ اصل اقتدار و آمادگی دفاعی۷۰ و... در قرآن و متون دینی گنجانده شده است و زمینه تدوین و سامان دهی قانونهای مشخص اجتماعی و برنامه های اجرایی را فراهم می کند. نکته های جزئی

دگرگونی پذیر و راه کارهای ناپایدار و محدود به زمان و مکان هر جامعه به عقل و خرد آدمی و صلاح اندیشی حاکم اسلامی واگذار شده است:
(انّه تعالی قد جعل الفقیه... حلّ جمیع المشاکل الفردیة والاجتماعیة وتشکیل دور الوزارة فی مختلف شؤون المملکة.)۷۱
خداوند گشودن تمامی مشکلهای فردی و اجتماعی و برپایی وزارتخانه ها در چشم اندازهای گونه گونه حکومت را بر عهده فقیهِ حاکم گذاشته است.
بنابراین به رأی ایشان قلمرو اجتماعی اسلام در مرحله بیان و ترتیب برنامه های اجرایی جامعه با فهم و اجتهاد ولی فقیه نمایان و شناسانده می شود.
در این جا این نکته را یادآور می شویم که ظرف زمانیِ سخنان یاد شده به سه دهه پیش باز می گردد روزگاری که درباره مسایل اجتماعی اسلام و چگونگی آنها نه فکری مطرح بود و نه سخنی جز سخنان امام راحل وجود داشت. استاد شهید با پذیرش خطرهای سیاسی از سوی رژیم و نیز ناسازگاریهای درون حوزوی به این مسایل پرداخته است.

پي نوشت :

۵۸ . همان مدرك۵۴۲/.
۵۹ . همان مدرك.
۶۰ . (الاسلام والحكومة) شهید مصطفی خمینی۴/ دستنوشته.
۶۱ . (تفسیرالقرآن الكریم) ج۴/۷۲.
۶۲ . همان مدرك۷۱/ ـ ۷۲.
۶۳ . همان مدرك۷۱/.
۶۴ . همان مدرك۷۲/.
۶۵ . سوره (مائده) آیه ۴۶ ۴۵ و ۴۷; سوره (یوسف) آیه ۴۰.
۶۶ . سوره (نحل) آیه ۹۰; سوره (حدید) آیه ۲۵.
۶۷ . سوره (آل عمران) آیه ۱۵۹; سوره (شوری) آیه ۳۸.
۶۸ . سوره (اعراف) آیه ۱۵۷.
۶۹ . سوره (بقره) آیه ۲۷۹; سوره (هود) آیه ۱۱۳; سوره (حج) آیه ۳۹; سوره (انعام) آیه ۸۲.
۷۰ . سوره (انفال) آیه ۶۰.
۷۱ . (الاسلام والحكومة)۶۱/ ـ ۶۲.
ادامه دارد .....

منبع: ارسال مقاله توسط عضو محترم سایت با نام کاربری : sm1372
/س

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.